Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities, 15(4), 5-34, Autumn 2023

Hasanpur, M. (2023). Critique of photography as rereading of the historical matter. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 15(4), 5-34. doi: 10.22035/isih.2023.4720.4648

https://doi.org/10.22035/isih.2023.4720.4648 URL: http://www.isih.ir/article_441.html

2008-4641 / © The Authors. This is an open access article under the CC BY 4.0 license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).

Research Paper

Critique of photography as rereading of the historical matter

Mohamad Hasanpur[1]

Received: Mar. 11, 2023; Accepted: Jul. 1, 2023

ABSTRACT

The connection between photography and history as the most important emerging interdisciplinary issue of the 19th century has been direct but challenging. The characteristics of both disciplines are present in cross-sectional recording of time, emphasis on the objectivity of time (historical text, and photographic record), and quality of reference to the past. After the invention of photography, however, the practice of historical review and retrieval of past memories found a product-oriented quality and and photographs revealed access to historical content as the touch of a seemingly simple everyday object. Therefore, in the present article, based on the historical analysis method, we try to give an ideological link to photography and history based on the views of 20th century philosophers and critics, and respond to this question: Which of the photographic characteristics has been present in the "evolution" and "advancement" of the contemporary history? The importance of this research lies in the fact that photography, while deeply connected to history, is virtually ubiquitous and accessible to the present media and the public, and that is why disciplines such as Modern Social History or Oral History might not have been able to spread without the advent of photography. The result is that the authenticity of historical data is linked to these photographic identities as evidence or an example for objective comparison, and in practice, history today as what happened in a particular time and space is always imbued with the essence of photographic references.

Keywords: photographic history, historical photographs, photographic critique, photography and history

1. Assistant Professor in Art Research, Handicraft Department, Art College, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

✉ hasanpur@arts.usb.ac.ir

[redacted]

Tehran, [redacted]

[redacted]

Abstract

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۵(۴)، ۳۴-۵، پیاپی ۶۰، پاییز ۱۴۰۲

حسن‌پور، محمد (۱۴۰۲). نقد عکاسی به‌مثابه بازخوانی امر تاریخی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۵(۴)، ۳۴-۵.
doi: 10.22035/isih.2023.4720.4648

شاپا: ۴۶۴۱-۲۰۰۸ https://doi.org/10.22035/isih.2023.4720.4648 URL: http://www.isih.ir/article_441.html

© نویسندگان / دسترسی به متن کامل مقاله براساس قوانین کریتیو کامانز CC_BY 4.0 آزاد است. (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

مقاله پژوهشی

نقد عکاسی به‌مثابه بازخوانی امر تاریخی

محمد حسن‌پور*[۱]

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

چکیده

ارتباط عکاسی و تاریخ به‌عنوان مهم‌ترین مسئلهٔ نوظهور میان‌رشته‌ای قرن نوزدهم، مستقیم اما چالش‌ساز بوده‌است. ثبت‌وضبط مقطعی و گزیده، تأکید بر شیءوارگی زمان (متن تاریخی، و ثبت عکاسانه)، و کیفیت ارجاع‌دهی به‌گذشته از ویژگی‌های هر دو رشته در عصر حاضر است. پس از اختراع عکاسی، عمل مرور تاریخی و بازآوری خاطرات گذشته کیفیتی کالامحور یافت و عکس‌ها، دسترسی به‌محتوای تاریخی را، چونان لمس یک شیء به‌ظاهر سادهٔ روزانه، آشکارساختند. از این‌رو، در مقالهٔ حاضر بر اساس شیوهٔ تحلیل‌تاریخی، به‌پیوند ایدئولوژیک عکاسی و تاریخ براساس آراء فیلسوفان و منتقدان قرن بیستم می‌پردازیم و به‌این پرسش پاسخ می‌دهیم که کدام‌یک از ویژگی‌های عکاسانه در تحول و پیشبرد علم تاریخ مؤثر بوده است؟ اهمیت توجه به‌چنین پیوندی از این جهت است که عکاسی در عین پیوند عمیق خود با تاریخ، دردسترس عموم بوده و از همین‌روست که رشته‌هایی چون تاریخ اجتماعی نوین و یا تاریخ شفاهی، بدون ظهور عکاسی، شاید امکان بروز و شیوع نمی‌یافتند. نتیجه آن‌که سندیت داده‌های تاریخی به‌واسطهٔ ظهور عکاسی به‌مثابه گواه و یا نمونه‌ای برای مقایسهٔ عینی، به این‌همانی‌های عکاسانه پیوند خورده و عملاً امروزه تاریخ به‌عنوان آن‌چه که در زمان و مکانی رخ‌داده، همواره آغشته به‌گوهر ارجاعِ عکاسانه است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ عکاسانه، عکس‌های تاریخی، نقد عکاسانه، عکاسیِ تاریخ

۱. استادیار پژوهش هنر، گروه صنایع‌دستی، دانشکده هنرومعماری، دانشگاه سیستان‌وبلوچستان، زاهدان، ایران
✉ hasanpur@arts.usb.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

علم تاریخ در وجه عام، و تاریخ‌نگاری به‌شکل خاص، با سازوکار عکاسی در مراوده و بده‌بستان‌هایی صوری و محتوایی قرار دارد. وجه مشخصهٔ عکاسی، سندیتی است که به شکل بصری ارائه می‌گردد و شکل استنادی و اصالتِ ارتباط آن با امر واقعی در گذشته، همان چیزی است که در دانش تاریخی دارای جایگاهی اساسی است. از سوی دیگر، تاریخ همواره قطعاتی از گذشته را به‌عنوان مصداق امرِ رخ‌داده ارائه می‌کند و با وجود تأکید بر پیوستگیِ متن، درون خود سرشار از گزین‌گویه‌های تاریخی است. عکس‌ها دست به گزینش نمادین می‌زنند و از قاب‌بندی تا محتوا، وجهی قطعه‌قطعه و گزینش‌شده را پیشِ روی بینند عرضه می‌دارند. پیوند میان تاریخ و عکاسی، پیوندی ایدئولوژیک است؛ بدان معنا که در برساخت هر دوی آنها، آن‌چه که متن موجود (عکس/متن تاریخی) را ساخته، در گذشته رخ‌داده، به‌اتمام رسیده، و هم‌اکنون مخاطب عام و خاص آن، با شکلی از متن مواجه‌است که همهٔ تلاش آن در جهت اثباتِ سندیتِ ارجاعاتی است که بر امرِ رخ‌داده در گذشته، حاضر است.

در مقالهٔ حاضر به ارتباط عمیق عکاسی و تاریخ اجتماعی[1] پرداخته، و به‌صورتی بسیار موجز، انواع ارتباط عکاسی و این شاخه از دانش تاریخی را مطرح می‌کنیم. مورخ تاریخ اجتماعی، تداعی‌های فرهنگیِ در شیوه‌های مختلف ادراک انسانی را در مقولات جمعیتی مشخص مورد بازخوانی قرار می‌دهد و می‌تواند آن‌ها را در عکس‌ها به‌مثابه اسناد تاریخی زندگی روزانه تفسیر کند (حسن‌پور، ۱۴۰۰، ۵۳). سپس به مسئلهٔ سندیت عکاسی و سیر داده‌هایی تاریخی می‌پردازیم و کیفیت استنادی عکس‌ها را با کارکرد تاریخ‌نگارانه‌ای مقایسه می‌کنیم که در هر صورت ضبط و ثبتِ دانش تاریخی، مرجع نوشتار و خلق متن قرار دارد. بعدتر، به‌سندیت، حافظه و عکاسی می‌پردازیم و این‌که چگونه می‌توان سازوکار عکاسی را به‌واسطهٔ عمل حافظهٔ انسانی، استنادی دانسته و اصالت تاریخ‌محور آن را

---

۱. New Social History: تاریخ اجتماعی بنابر یک تعریف اولیه حوزه‌ای از مطالعات تاریخی‌است که به زعم برخی، بیشتر در شمار علوم اجتماعی قرار می‌گیرد که تلاش می‌کند رویدادهای تاریخی را از منظر جریانهای اجتماعی بنگرد. برای مطالعه بیشتر، ن ک:
موسی‌پور. تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی. ص ۱۴۳

برجسته نمود. سرانجام، به‌موضوع انقطاع‌های متنی در تاریخ و به‌ویژه در عکاسی پرداخته و با عنوان انقطاع و تداوم: مرگ، امر حاضر در عکاسی و تاریخ، به‌تحلیل این نکته می‌پردازیم که چگونه می‌توان از انگارهٔ مرگ به‌مثابه آن‌چه که در متن تاریخی و نیز در سطح عکس همواره حاضر است، در پیکربندی زمانِ گذشته برای تولید متن بهره برد. آن‌چه دغدغهٔ تحقیق حاضر است، اندیشه‌هایی پیرامون عکاسی و تاریخ‌است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که امروزه نزدیک به دو قرن پس از اختراع عکاسی، این وسیلهٔ هنری-استنادی به‌مثابه ابزاری تاریخ‌ساز ملجاء مورخان و مرجعی مهم در فهم علم تاریخ شده‌است؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

در باب روش‌شناسی تاریخی، تحقیقات متنوعی ارائه شده است که از جملهٔ آن‌ها کتاب فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ‌نگاری (۱۳۹۸) نوشتهٔ داریوش رحمانیان است. نویسنده در این کتاب به انواع روش‌شناسی در تاریخ و تاریخ‌نگاری‌ها می‌پردازد. رحمانیان در مقاله «مکاتب تاریخ‌نگاری ایران معاصر (۱۳۸۹)»، که مستخرج از گفت‌وگو با اوست، به انواع تاریخ‌نگاری پرداخته و با نگاهی انتقادی، تاریخ‌نگاری اجتماعی و تاریخ‌نگاری فرهنگی را شرح داده و به‌این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه می‌شود بستر و شرایط اجتماعی را به تاریخ پیوند زد و از آن به یک تحلیل کلان نظری رسید؟ در ارتباط با انواع نظریه‌های نوین تاریخی باید به آراء دیوید استالی[1] دانشیار تاریخ در دانشگاه اوهایو اشاره کرد که در حوزه‌هایی چون تصورات و تاریخ، تاریخ رایانه‌ها، و آینده‌نگری و تاریخ تحقیق نموده است. در ارتباط پیوستهٔ عکاسی و تاریخ نیز فیلسوفان، محققان و پژوهشگران تاریخ و عکاسی آراء متنوعی ارائه داده‌اند. جئوفری بچن[2]، در بسیاری از تألیفات خود، از جمله کتاب فراموش‌ام نکن منتشر شده در سال ۲۰۰۴، به‌ارتباط شمایلیِ عکاسی و تاریخ پرداخته و عنوان کرده است که عکاسی دارای کارکردی در جوامع بشریِ پس از پیدایش خود بوده است که چونان شیئی شمایل‌وار و برجای مانده از گذر تاریخ، در دست انسان

1. David Staley (1963)

۲. Geoffrey Batchen (1956): مورخ هنر استرالیایی و استاد تاریخ هنر دانشگاه آکسفورد.

امروزین است. کریستوفر پاینی[1]، در عکاسی و انسان‌شناسی (۲۰۱۱) به‌حوزه‌های متنوعی از بهره‌مندی انسان‌شناسان از عکاسی با نگاهی تاریخ‌محور پرداخته و نظریات گوناگونی راجع به جایگاه عکاسی در پیشبرد دانش انسان‌شناسی نوین گردآوری کرده و مورد تحلیل قرار داده است. جان برجر[2] (۱۳۸۰) منتقد فقید انگلیسی هم در کتاب دربارهٔ نگریستن عکاسی را نوعی چشم خدا می‌نامد که مسئلهٔ قضاوت تاریخی را، که پیش از ظهور آن تنها در اختیار خداوند بود، در اختیار خود گرفته است؛ چرا که مرور واقعه صرفاً بر مبنای خاطره که عینیت مادی ندارد، را امکان‌پذیر می‌نمود و عکاسی این خاطرهٔ غیرمادی را در سطح کاغذی خود تثبیت ساخت. مورتون و ادواردز[3] (۲۰۰۹) در کتاب عکاسی، انسان‌شناسی و تاریخ به‌این مسئله می‌پردازند که مسئلهٔ تفسیر تاریخی عکس بسیار بحث‌برانگیز و پرمناقشه است و عکس‌ها ورای تحلیل و تفسیرها، متن مستقلی هستند که لزوماً این‌همانی با رخداد وقوع‌یافته ندارند. جان تگ[4] استاد تاریخ هنر در دانشگاه بینگهامتون، دربارهٔ عکاسی و نظریه‌های انتقادی معاصر تألیفات گسترده‌ای دارد و مارتا راسلر[5] نیز که هنرمندی آمریکایی‌است و در ارتباط با عکاسی و زمینه‌های آن (از جمله تاریخ) آثار نوشتاری و اجرایی متنوعی خلق نموده‌است و بر زندگی روزانه، زنان، جنگ، رسانه و بسیاری از حوزه‌های عمومی دیگر مطالعه و تحقیق می‌کند.

۳. روش

در مقالهٔ حاضر، براساس شیوهٔ تحلیلی‌ـتاریخی، پیوند عکاسی و تاریخ‌را در سه محور سندسازی، داستان‌گویی و آرشیوسازی (حافظه) مورد تحلیل قرار می‌دهیم و به برخی نمونه‌های شیءوارگی و کالایی‌شدن امر تاریخی به‌واسطهٔ اَعمال عکاسانه می‌پردازیم. این نکته ازآن‌رو دارای اهمیت است که هم عکاسی و هم تاریخ، در تفسیر زمان گذشته و

---

۱. Christopher Pinney (1959): انسان‌شناس و مورخ هنر در دانشگاه یو سی آل لندن.

۲. John Berger (1926-2017): منتقد هنری، رمان نویس، نقاش و شاعر انگلیسی.

3. Elizabeth Edwards (1952-) and Christopher Morton

4 .John Tagg (1949)

۵. Martha Rosler (1943): فعالیت راسلر در حوزه‌های بسیار متنوعی‌است: از عکاسی تا ویدئو، اینستالیشن، مجسمه سازی، هنر اجرا، و نیز نوشتن در مورد هنر و فرهنگ.

بازتاب آن در حافظهٔ انسانی دچار گزین‌گویه و ثبت مقطعی زمان هستند و از این‌رو صحت تفسیر زمان گذشته به‌عنوان امری آن‌جا-آن‌گاه که عکاسی و تاریخ بر اصالت آن اصرار دارند، دارای مسئله است.

۴. تجزیه‌وتحلیل: مسئلهٔ سندیت عکاسی و سیر داده‌های تاریخی

تاریخ به‌معنای علمی مدرن و روش‌مند، هم‌زمان با عکاسی که والتر بنیامین[۱] آن‌را «نخستین ابزار واقعاً انقلابی» نامید، هر دو در قرن نوزدهم متولد شدند و پیوند میان این‌دو شکل استنادی، که یکی از طریق بررسی متون گذشته و راستی‌آزماییِ آن و دیگری با ثبتِ صوری و عینیِ آن‌چه که درگذشته رخ‌داده، در تولدشان در یک قرن مشترک نیز ریشه دارد. تاریخ، همواره و به طرق گوناگون از سندیت عکاسی بهره برده است. گاه به‌شکلِ سندی بر تأیید محتوای تاریخی، گاه به‌صورت تحلیل تاریخی عکس‌ها، و گاه نیز تحت عنوان تحلیل «از پایین» عکس‌های اجتماعی (در مضامین تاریخ اجتماعی). بنیامین معتقد بود که عکس ویژگی جدیدی را به‌تاریخ افزوده‌است؛ چرا که چیزی‌را از گذشته در خود نگه می‌دارد و محبوس‌اش می‌کند که می‌توان در آینده بارها و بارها آن‌را دید. وی این حالت را «دیالکتیک سکون» می‌نامد. در یک «تصویرِ دیالکتیکی، به‌عنوان نقطه‌ای‌که در آن اکنون و گذشته به ملاقات هم می‌آیند ...، رابطهٔ میان حال و آن‌چه وجود داشته، رابطه‌ای دیالکتیکی‌است» (به نقل از: دانت و گیلوچ[۲]، ۱۳۹۶، ۱۴۰). بنیامین همانند رولان بارت[۳] معتقد بود که «تاریخ همواره در فرایندهای فرهنگی حضور دارد و مواجههٔ اکنون با گذشته، جنبه‌ای است از عمل نقد که نمی‌توان آن‌را فرو گذارد. عکس لحظه‌ای را فراهم می‌آورد که چنین نقدی می‌تواند دربارهٔ آن اعمال گردد» (همان، ۱۵۸). عکاسی، ابزارِ تحققِ تاریخ است و هم‌زمان، شأنیت استنادیِ خود را در سیر تاریخی، از تاریخ دریافت می‌کند. «همان‌طور که عکاسی به‌دنبال ثابت‌کردن یک لحظه از تاریخ است، به‌اندیشه درآوردنِ تاریخ، خود در انحصار مفاهیم

۱. Walter Benjamin (1892-1940): فیلسوف، منتقد و مقاله‌نویسی که تفکرش، ترکیب گزیده‌ای از ایده‌آلیسم آلمانی، رمانتیسم، مارکسیسم غربی و عرفان یهودی بود. بنیامین راجع به زیبایی‌شناسی، نقد ادبی، مادی‌گراییِ تاریخی و به‌ویژه عکاسی، مقالات ماندگار و تأثیرگذاری نوشت.

2. Tim Dant & Graeme Gilloch

3. Roland Barthes (1915-1980)